



روایت هنرمندی که مخترع دست مصنوعی هوشمند کشور شد

نُت پیروزی

وقتی به زندگی امیر نگاه می‌کنیم، روح امید به آینده در زندگی‌اش موج می‌زند. وقتی اتفاقی می‌افتد که جهان زندگی‌اش را نه تنها صفر که حتی ضرب در منفی می‌کند، آن را نویدبخش تولد فتنه‌سوی می‌بیند که از زیر خاکستر این اتفاقات بیرون خواهد آمد. تلاش، پشتکار و امید به آینده‌ای روشن از نقاط مشترک بین افراد موفق در زیست بوم فناوری کشور است. امیر آینده‌ای را برای خود ترسیم کرده بود که بسیاری از اساتید و متخصصان ارتز و پروتز کشور آن را ناشدنی تلقی می‌کردند. متخصصان حوزه ارتز و پروتز کشور، طراحی و ساخت دست مکانیکی و الکترونیکی در ایران را امری ناشدنی می‌دانستند که تنها کشورهای امریکایی و اروپایی قادر به ساخت آن هستند. امیر پایدار ثانی این ذهنیت را تغییر داد. متن زیر روایتی از زندگی امیر پایدار ثانی مدیرعامل شرکت دانش بنیان بهبود عضو ثانی است:

تکمیل آموزش به تهران در رفت و آمد بودم و از محضر اساتید بنام کشور مانند استاد روشن روان استفاده می‌کردم. به اصرار برادر بزرگ‌ترم که مهندس مخابرات بود تابستان‌ها را در مغازه‌های مختلف شاگردی می‌کردم و با حرفه‌های مختلف آشنا می‌شدم. موسیقی و شاگردی در مغازه‌های مختلف تمام وقتم را پر می‌کرد و وقت‌های خالی‌ام را در مسجد الصادق کوی ولیعصر تبریز سپری می‌کردم.

سال ۸۲ پدرم تصمیم گرفت تا یک شرکت مواد غذایی تأسیس کند. من هم به عنوان بازرس در شرکت مشغول شدم. با اینکه بازرس شرکت بودم، اما برای بازاریابی محصولات شرکت به اکثر استان‌های کشور سفر می‌کردم. این تجربه باعث کسب دانش بازاریابی در من شد. در این سال‌ها کنکور دادم و در رشته شیمی در دانشگاه آزاد چالوس قبول شدم. حین

بچه‌درسخوانی نبودم.

سال ۱۳۶۰ در تهران متولد شدم. پدرم سرهنگ ارتش بود برای همین در شهرهای مختلف کشور خدمت کرده بود. تا هفت سالگی‌ام در تهران بودیم. با بازنشسته شدن پدرم به تبریز بازگشتیم. دوران تحصیل را در تبریز گذراندم. بسیار بازیگوش بودم و علاقه چندانی به درس و مدرسه نداشتم. پدر بزرگ و پدرم اهل موسیقی بودند که سبب شکل‌گیری علاقه من به موسیقی شد. از یازده سالگی نواختن پیانو را شروع کرده بودم. پس از آموزش دوره‌های مقدماتی موسیقی برای



مرتضی اسدزاده

مصاحبه